

تحلیل گفتمانی رویکرد واگرایی آیت الله خامنه ای نسبت به نظام سلطه آمریکا

رحمت عباس تبار مقری^۱

چکیده

از ظهور و بروز انقلاب اسلامی تا کنون شاهد چالش جدی انقلاب اسلامی با نظام سلطه آمریکا در حوزه های داخلی، منطقه ای و بین المللی می باشیم. شناخت ماهیت حقیقی مکنون در انقلاب اسلامی و همچنین آشنایی با ذات اهریمنی نظام سلطه آمریکا، کمک قابل توجهی در فهم چالش میان این دو گفتمان می کند. بدین جهت در پی پاسخ به این سوال هستیم که "گفتمان واگرایی آیت الله خامنه ای با نظام سلطه آمریکا از چه مبنا و ماهیتی برخوردار است؟" لذا با استفاده از مدل تحلیل گفتمان - متأثر از نظریه‌ی اندیشمندان چون لاکلاو و موفه- و بر مبنای روش توصیفی- تحلیلی، به بررسی موضوع پرداختیم. یافته های پژوهش حاضر حکایت از این دارند که آیت الله خامنه ای، در عرصه سیاست خارجی، "استکبار ستیزی" را دال مرکزی انقلاب اسلامی دانسته و بر مبنای اصول سیاسی بر آمده از قرآن، روایات، سیره عملی ائمه معصومین و گفتار و رفتار امام خمینی (ره)، گفتمان نظام سلطه آمریکا، با دال مرکزی "لیبرال دموکراسی" را خطر جدی بشریت، دیانت، جامعه و جهان دانسته و بدین جهت رویکرد واگرایانه نسبت به آن اتخاذ نموده است.

واژگان کلیدی:

تحلیل گفتمان، نظام سلطه، اسلام سیاسی، استکبار ستیزی، رویکرد واگرایی

مقدمه و بیان مساله

در طول تاریخ، انسان‌ها در برابر دعوت حق به دو گروه تقسیم شده‌اند. یا سر تسلیم فرودآورده و به دنبال حق رفته‌اند، و یا در مقابل آن ایستاده و به مخالفت برخاسته‌اند. خداوند در قرآن از گروه حق‌گریز با نام مستکبر یاد می‌کند. جبهه‌ی حق به رهبری انبیاء و مصلحان بزرگ و جبهه‌ی باطل به سردمداری استکبار در طول تاریخ در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند و در این پیکار و مبارزه، عیار انسان‌ها و حق‌محوری آن‌ها آشکار شده و گوهر وجودشان محک خورده است. استکبار و سلطه‌گری شیوه‌ی قدرتمندان خودبتربین است که با سلطه‌گری و اعمال زور، دیگران را به بردگی و استضعاف وادار می‌کنند. سابقه‌ی استکبار به آغاز خلقت برمی‌گردد؛ آن‌جایی که شیطان با استدلال خودپسندانه از فرمان الهی سرپیچی کرد. این روحیه‌ی استکباری و خصلت شیطانی به عنوان سطحی از کفر در تمام ادوار وجود داشته است. اصل مقابله‌ی اسلام با مستکبران به معنای مقابله‌ی ذاتی و همیشگی اسلام با هرگونه تکبر، برتری‌جویی و سلطه‌طلبی است. این اصل، مواجهه‌ی پیوسته‌ی حق و باطل را به دنبال دارد که در سیره‌ی رسول خدا (ص) و ائمه (ع) آشکار است. سلطه‌ستیزی، برخاسته از مخالفت اسلام با هرگونه ظلم و استثمار علیه دیگران و همچنین مخالفت با ستم‌پذیری و پذیرش زورگویی است. بنابراین، علل دشمنی نظام سلطه با اندیشه‌ی سیاسی انقلابی را باید در ماهیت استکباری آن و ماهیت استکبارستیزی انقلاب اسلامی یافت.

امروزه نیز همانند گذشته، چشم‌انداز رابطه‌ی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در دهه‌ی اخیر به موضوعی مناقشه برانگیز میان اندیشمندان و کنشگران سیاسی تبدیل شده است. اگر چه بعد از حدود چهار دهه از تشکیل نظام جمهوری اسلامی، در برخی از برهه‌ها شاهد بهبود روابط میان دولت ایران با آمریکا بوده ایم، اما خصومت و تباین اصولی میان ارزشهای سیاسی فرهنگی موجود در گفتمان این دو کشور، حاکی از ریشه دار بودن تاختم میان آنهاست. آنچه که بررسی این موضوع را دو چندان می‌کند، نقش هدایت‌گر و سیاست‌های راهبردی رهبری نظام جمهوری اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، در ارتقاء سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ایران است.

گفتمان انقلاب اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی با تقویت دال مرکزی "استکبارستیزی" و با الگوپذیری از اصل "نفی سبیل" ملهم از اعتقادات سیاسی شیعه، به مقابله و مبارزه با دستگاه سلطه استکباری غرب به ویژه آمریکا پرداخت. بنابراین رویکرد واگرایانه و استکبارستیزانه در تفکر و کلام آیت‌الله خامنه‌ای به تبعیت از اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)، و در راستای گفتمان انقلاب اسلامی و به عنوان یکی از سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی نمود یافته است. بیانات رهبر انقلاب در مقوله‌ی نفی نظام سلطه، صریح و بدون ملاحظه است و در جهت نمایاندن چهره‌ی واقعی استکباری آمریکا ایراد می‌شود. ایشان در اندیشه‌های خود به راهبردها، اقدامات و اهداف متنوع نظام سلطه علیه انقلاب اشاره می‌کند و با برخی موضع‌گیری‌های سیاسی داخلی در جهت ضرورت ارتباط با آمریکا، به مخالفت می‌پردازد.

در زمانی که نظام سلطه آمریکا، سیطره‌ی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را بر جهان گسترده و تحمیل کرده و تمامی مکتب جهانی در مقابل نظام استکباری به زانو درآمدند، آیت‌الله خامنه‌ای با راهبردهای عملی و با راهبری اسلام اصیل، و تغییر نگرش نسبت به انسان و جامعه، هم در بعد نظری و هم در بعد عملی، نظام سلطه‌گرای آمریکا را با چالش‌های اساسی روبرو کرده است. از راهبردهای اساسی ایشان می‌توان به معرفی اسلام به عنوان مکتب جامع و جهانی، نفی نظام غرب‌محور، مبارزه

با اندیشه‌ی جدایی دین از سیاست، مبارزه با نظام سلطه، مبارزه با صهیونیسم جهانی، تأکید بر وحدت اسلامی و ... می‌باشد. اساسا رویکرد واگرایانه آیت الله خامنه ای نسبت به نظام سلطه آمریکا، مبتنی بر خصایص بزرگ استکبار جهانی است؛ "اتکای به عنصر تروریسم"، "ضدیت با اسلام و قرآن" و "دستاویز قرار دادن حقوق بشر برای گسترش ظلم و جنایت در دنیا".

بررسی و تحلیل ادبیات پژوهش حکایت از آن دارد که در این زمینه تحریراتی انجام شده است که برخی در مقولات اندیشه شناسی و گروهی نیز در قلمرو موضوعی، اشاراتی به مسئله پژوهش کرده‌اند. مثلا خانم فاطمه طوسی، (۱۳۸۹)، در پایان نامه «امپریالیسم فرهنگی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، تلاش کرده است تا جایگاه امپریالیسیسم فرهنگی را در نظام سلطه و با توجه به اندیشه‌های مقام معظم رهبری، تبیین کند. یا خانم زهرا قاسمی، (۱۳۹۴)، در مقاله‌ی «تبیین و بررسی مفهوم جنگ نرم در اندیشه‌ی سیاسی مقام معظم رهبری»، کوشید تا به بررسی مفهوم جنگ نرم در اندیشه سیاسی رهبری بپردازد و تلاش نمود تا ویژگی‌ها و شاخص‌های جنگ نرم، اهداف جنگ نرم، اهداف دشمن در جنگ نرم، ضرورت و اهمیت جنگ نرم و... را از دیدگاه ایشان مورد شرح و بررسی قرار دهد. نویسنده، جنگ نرم را روشی برای تحمیل اراده و تأمین منافع دانسته که با غلبه بر طرف مقابل، بدون استفاده از قدرت نظامی و روش‌های خشونت آمیز اعمال می‌شود. اما واقعیت آن است که، کمتر پژوهشی با نگاه گفتمانی به رویکرد واگرایی آیت الله خامنه ای نسبت به نظام سلطه آمریکا به صورت مبنایی و اصولی پرداخته‌اند.

۲- مبانی گفتمان واگرایی

خرده گفتمان واگرایی آیت الله خامنه ای نسبت به نظام سیاسی آمریکا در ذیل گفتمان «اسلامگرایی» ایشان قرار دارد. نظام اسلامی و توحیدی مد نظر ایشان، بی طبقه و مغایر با گروه گرایی و حسب و نصب اندیشی است. "همه انسانها زیر یک سقف حقوقی زندگی می‌کنند. همه در یک مسیر و با یک نوع امکانات حرکت می‌کنند" (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۲: ۲۱۰). گفتمان غیر و متضاد آن، «نظام استکباری» می‌باشد. در حقیقت گفتمان واگرایی آیت الله خامنه ای در تقابل با استکبار است. بدین جهت به مبانی تفکر استکبار ستیزی ایشان می‌پردازیم.

آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به قرآن کریم درباره معنی استکبار بیان می‌دارد: «استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه‌ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی که و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسان‌ها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه‌ی کارهای آن‌ها مداخله می‌کند، برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌داند، حق تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حق دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخ‌گو هم به هیچ‌کس نیست؛ این معنای مستکبر است. نقطه‌ی مقابل این جبهه‌ی ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه می‌کنند؛ مبارزه‌ی با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه‌ی اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌وخم‌دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۸/۱۲)

آیت‌الله خامنه‌ای نظام استکباری را نظام قلدرمآبلنه معرفی می‌کند که به اتکای زور، از هیچ اقدامی شرم نمی‌کند و دیگر ملت‌ها هم زورگویی او را تحمل می‌کنند. در واقع آنان همان ثروتمندان و حکام مستبندی هستند که با دعوت نبوی و رسالت الهی مخالفت می‌کنند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۲:

۳۳۷). ایشان نظام سلطه را بلایی بزرگ بر سر ملت‌ها می‌داند و می‌فرماید: «استکبار، یعنی گردن کلفتی و قلدری و آدم‌کشی و شرم نکردن و ابا نکردن و تجاوز توأم با وقاحت و سر را بالا گرفتن و سینه را سپر کردن. نظامی که امروز قدرت‌های مقتدر عالم دارند، نظام استکباری است... امروز بر دنیا نظام سلطه حاکم است. نظام سلطه، یعنی این‌که کسی در دنیا به اتکای سر نیزه و زور، قلدری بکند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند. امروز، شما نمونه‌اش را مشاهده می‌کنید... بزرگترین بلاهای عالم برای ملت‌های دنیا، همین نظام سلطه است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۶).

ایشان برای تدوین، تکثیر و تشریح گفتمان واگرایی به نظام استکباری، گذشته از بهره‌گیری از مبانی انقلاب اسلامی، از اصول و مبانی قرآنی نیز بهره‌جسته و برای مبارزه با نظام استکبار حد یقف قائل نیستند: «علت اصلی زورگویان جهانی با ملت ایران، خودداری جمهوری اسلامی از پذیرش نظام مبتنی بر سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است. مبارزه با استکبار و نظام سلطه براساس مبانی قرآنی هیچ‌گاه تعطیل‌پذیر نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰) «مگر مبارزه با استکبار تعطیل‌پذیر است؟ مبارزه با استکبار مبارزه با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتمّ مصادیق استکبار است. مبارزه با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه با استکبار.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰)

مبنای واگرایی و مبارزه با نظام سلطه آمریکا از سوی آیت‌الله خامنه‌ای گذشته از اعتقادات ایدئولوژی و باورهای سیاسی، به خصوصیت شیطانی و ذاتی دولت آمریکا یعنی خودبرتربینی، حق‌ناپذیری، تحقیر و تجاوز به آحاد بشریت و فریب‌گری نیز بر می‌گردد. چنین خصوصیتی است که ایالت متحده آمریکا را در مرکز ثقل استکبار جهانی و غیر قابل اعتماد نموده است. «ما نگاه‌مان به آمریکا، نفی موجودیت استکباری آمریکاست، والا دولت آمریکا یک دولتی است مثل بقیه‌ی دولت‌ها. استکباری‌بودن آمریکا، سلطه‌ی جهانی بودن، ابرقدرتی آمریکا، از نظر ما مردود است، ما قبول نداریم. پس این شد مخالفت بنیانی. این مخالفت بنیانی هم گاهی اوقات فعال است، گاهی آرام است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۵/۲۷)

استقلال طلبی و آزادی خواهی یکی دیگر از مبانی گفتمان واگرایی آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به آمریکا است. لذا هر نوع الگوی پیشرفت مقلدانه و دنبال رونده بیگانگان را مردود دانسته و موجب ضعف کشور و نظام می‌داند: «هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده‌ی استقلال کشور باشد، این باید به‌عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، دلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره پیشرفت محسوب نمی‌شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷)

در این گفتمان واگرایی، آزادی در قالب اراده ملی، معنا و مفهوم یافته است. لازمه چنین آزادی نیز، استقلال سیاسی و فرهنگی می‌باشد. این دو عنصر هویتی ایران، بدون یکدیگر منجر به وابستگی و اضمحلال داخلی خواهند شد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹). آنچه که تبلور استقلال و آزادی ملت ایران

تحلیل گفتمانی رویکرد واگرایی آیت الله خامنه ای نسبت به نظام سلطه... □ ۱۰۳

و نشانه هویت دینی و سیاسی مردم ایران شده است، شعار نه شرقی و نه غربی می باشد. لذا ضمن باور به ارتباط متقابل و محترمانه نسبت به سایر نظام های سیاسی، وابستگی به ایدئولوژی و تفکر حاکم بر جهان شرق و غرب را نیز مردود دانسته شد.

۳- مدل نظری

مدل تحلیل گفتمان دارای کاربرست فراوان می باشد و اساساً یک قرائت تفسیری و ساختاری است. (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۶). آنچه که از تحلیل گفتمان بر مبنای قرائت لاکلاو و موفه بر می آید، صورت بندی یک فضای فکری و عقیدتی در قالبی منسجم و منظومه وار است. بر این اساس، هر گفتمانی دارای یک «دال مرکزی» بوده که دالهایی شناور پیرامون آن مفصل بندی شده اند. در هر گفتمانی «عناصری» وجود دارند که همراه با دال مرکزی ارتباط معنا داری به گفتمان می دهند. آنچه که در نهایت شاهد یک صورت بندی منظم از گفتمان هستیم، پیوند جدید و متفاوتی است که میان، عناصر، دال های شناور و دال مرکزی بر قرار شده و معنای نویی را خلق کرده اند. (تقدمی، ۱۳۹۰: ۹۵).

در واقع با استفاده از روش تحلیل انتقادی «فرکلاف» می تواند فهم بهتری از یک نظام معنایی بدست آورد. به عبارت دیگر، نواقص روشی «لاکلاو» و «موفه» بر طرف خواهد شد. مانند کلی گویی و ناپیدا بودن فرآیند صورت بندی در یک گفتمان (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۷). اساساً هر گفتمانی از دو دسته مجزای «نفی ها» و «اثبات ها» تشکیل شده است. یعنی برخی مفاهیم و آموزه ها در قالب یک زنجیره ای متصل و معنادار نفی و رد می شود و دسته ای دیگر از مفاهیم مورد تائید قرار می گیرند. (آجیلی، ۱۳۸۹: ۱۵). به عبارت دیگر، هر گفتمانی در ضدیت، خصومت و منازعه با گفتمان دیگر قرار دارد. بدین معنا که هر گفتمان، از یک عنصر «خصومت» یا غیریت با «دیگری» بر خوردار است. خصومت از یک سو، مانع شکل گیری کامل یا تثبیت هویت یک پدیده و یا گفتمان می شود و آن را در معرض فروپاشی قرار می دهد و از سوی دیگر، نقش اساسی در شکل گیری آن ایفا می کند. بنابراین خصومت، کارکردی دو گانه دارد: از یک طرف مانع عینیت و تثبیت گفتمان ها و هویت هاست و از سوی دیگر سازنده هویت و عامل انسجام گفتمان است. (Laclau، ۲۸: ۱۹۹۵).

در این پژوهش گفتمان اسلام گرایی آیت الله خامنه ای را در تقابل با گفتمان نظام سلطه آمریکا قرار داده و با استناد به متن و گفتار آیت الله خامنه ای، «واگرایی نسبت به آمریکا» را به عنوان یک خرده ملاحظه کرده و بر اساس مبانی نظری یاد شده، «دال مرکزی» را تعیین و به دنبال در پی عناصر گفتمانی خواهیم بود تا صورت بندی نهایی استخراج گردد.

گفتمان واگرایی آیت الله خامنه ای نسبت به نظام سلطه آمریکا

۴- عناصر گفتمان واگرایی

گفتمان اسلام گرایی آیت الله خامنه ای با دال مرکزی «اسلام سیاسی» در تخاصم با گفتمان نظام سلطه آمریکا بر مبنای تفکر لیبرال دموکراسی قرار دارد. خرده گفتمان واگرایی آیت الله خامنه ای نسبت به دولت آمریکا بر خوردار از عناصر و دال های شناوری می باشد که حول دال مرکزی استکبار ستیزی مفصل بندی شده اند. ذیلا به توضیح و تبیین عناصر بی اعتمادی می پردازیم.

۱.۴- اصول انقلاب اسلامی

پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران در طول چهار دهه ی گذشته، مقاومت و ایستادگی در مقابل نظام

استکباری به سرگردگی آمریکا بوده که با رهبری امام راحل (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای تحقق یافته است. رهبر انقلاب بر مقوله‌ی استکبار ستیزی تأکید ویژه‌ای دارد و آن را یکی از اهداف و مبانی اصلی انقلاب اسلامی معرفی می‌نماید. ایشان همواره خطر استکبار و وابستگی را گوشزد کرده و درباره‌ی اهداف نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی و جهان اسلام هشدار داده اند.

آیت‌الله خامنه‌ای اسلام‌خواهی، استکبارستیزی، حفظ استقلال کشور، کرامت بخشی به انسان، دفاع از مظلوم و پیشرفت و اعتلای همه‌جانبه‌ی ایران را از اصول و اهداف اصلی و مهم انقلاب اسلامی دانسته و استکبار ستیزی را مرز میان انقلاب اسلامی و دشمنان آن می‌داند: «استکبارستیزی، ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق در سطح جهان و مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دین، شاخص‌های اصلی هستند.» همچنین در مبنا شناسی و شاخص گذاری انقلاب اسلامی، استکبار ستیزی و واگرایی نسبت به نظام استکباری را رکن اصلی آن قرار می‌دهد: «عدالت‌خواهی، استقلال و آزادی به معنای حقیقی کلمه، استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل دشمن، مردم‌گرایی، مستضعف‌نوازی و گرایش به طبقات محروم و پرهیز از اسراف و زندگی اشرافی‌گری جزو مبانی انقلاب اسلامی ایران هستند که به هیچ‌وجه نباید تغییر کنند.» ایشان این اعتبار و اصالت این مبانی را به دلیل برگرفته شدن آن‌ها از متن قرآن و منطق اسلام می‌دانند و افزودند: «دشمنان نظام اسلامی در طول سالهای گذشته همواره تلاش کرده‌اند تا مبانی انقلاب اسلامی را زیر سؤال ببرند و علت برخی مشکلات کشور را تأکید بر این اصول بدانند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۶/۰۷)

ایشان براساس مفاهیم اسلامی و آیات قرآنی دولت آمریکا را در جهان معاصر ظالم، قلدر، سرکش و دشمن اسلام معرفی می‌کند و می‌گویند: «امروز بعد از این که انقلاب اسلامی، بُرندگی اسلام را نشان داد، دشمنان اسلام و مسلمین جدی‌تر شدند. انقلاب اسلامی جبهه‌های جدیدی علیه اسلام به وجود آورد؛ فقط به خاطر این که اسلام را معرفی کرد و نشان داد که اسلام با ظلم مخالف است و فهماند که مسلم واقعی آن کسی است که در مقابل قلدری و سرکشی و نظام سلطه‌ی جهانی تسلیم نمی‌شود و زیر بار نمی‌رود. این سلطه‌گران را به شدت خشمگین کرد و در مقابل اسلام جبهه‌های جدیدی به وجود آورد.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۹/۱۳)

۲.۴- اسلام سیاسی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، عمل به دستورات اسلام شکل اجتماعی به خود گرفت و اسلام از یک ایدئولوژی درون‌گرا و فردی، به یک دین برون‌گرا و اجتماعی تبدیل شد. ماحصل این تغییر بنیادین، ظلم‌ستیزی، عدم تمکین از قدرت‌های بزرگ استعماری و مبارزه با زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه در سطح جامعه‌ی جهانی شد. به اسلامی که علاوه بر رویکرد فردی، مطابق آیات قرآن رویکرد سیاسی اجتماعی نیز دارد، اسلام سیاسی گفته می‌شود. «اسلام سیاسی گفتمانی است که بر اساس تمسک به اصول بنیادین اسلامی در شرایط مواجهه‌ی جهان اسلام با مدرنیته به‌ویژه پروژه‌ی دولت-ملت‌سازی مدرن در چند دهه‌ی اخیر در جهان اسلام فعال شده است. در این گفتمان، از تعابیر اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت سیاسی جامعه استفاده شده و بازگشت به اسلام تنها راه حل بحران‌های جامعه‌ی معاصر تلقی می‌شود. هدف این گفتمان، بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی است» (بهرزلك، ۱۳۸۶: ۱۷).

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن بیان معنویت، عقلانیت و عدالت به عنوان شاخص‌های اصلی اسلام سیاسی، آن را از اسلام متحجر و اسلام لیبرال جدا کرده و ضمن معرفی اسلام سیاسی به اسلام سرسختی با

دشمنان و مهربانی با مسلمانان، در خصوص اسلام آمریکایی، بی‌اعتمادی و واگرایی نسبت به دولت آمریکا و معرفی آن به‌عنوان دولت مستکبر، بیان می‌دارد: «موضوع مهم و دارای اولویت از مسائل جهان اسلام، نگاه هوشمندانه‌ای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را برحذر بدارند. نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد. اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردم‌سالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۶) است. اسلام آمریکایی پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به‌جای اعتماد به وعده‌ی الهی به دشمنان خدا اعتماد کند، به‌جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۷/۰۸)

در همین راستا و بر اساس اصول استکبار ستیزی اسلام سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای، مسئولان را از معامله و نه مذاکره و دیپلماسی با دولت آمریکا بر حذر داشته و بر این اعتقاد است که دولت آمریکا به خاطر خوی استکباری خود، در امر مذاکره خفت بار، چیزی جز استقلال، عدالت خواهی، استکبار ستیزی و در یک کلمه حز حذف اسلامیت را از ایران نمی‌خواهد. و لذا کالای مورد معامله دو گفتمان اسلام و استکبار، بودن یا نبودن اسلامیت ملت و نظام جمهوری اسلامی است. «... معامله، یعنی دادوستد؛ یعنی چیزی بگیر، چیزی بده. ... ما چه می‌توانیم به آمریکا بدهیم؟ او از ما چه می‌خواهد؟ آیا می‌دانید که او چه می‌خواهد؟ «و ما نقوموا منهم لئلا ان يؤمنوا بالله العزيز الحمید». والله که آمریکا از هیچ چیز ملت ایران به‌قدر مسلمان بودن و پای‌بند بودن به اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و آله) ناراحت نیست. او می‌خواهد شما از این پای‌بندی‌تان دست بردارید. او می‌خواهد شما این گردن برافراشته و سرفراز را نداشته باشید؛ حاضرید؟» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۲/۱۲)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در فصل دهم و اصل ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی، بر نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی، دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب و نفی هرگونه قرارداد که موجب سلطه‌ی بیگانه به شئون کشور گردد، اشاره شده است. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند، استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌داند. بنابراین ضمن خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر از مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه‌ای از جهان حمایت کند. در اصل دوم و سوم به نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، طرد کامل استعمار و تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام و تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان جهان و حمایت از آن‌ها تأکید شده است. در اصل یازدهم به حکم آیه‌ی قرآن «ان هذه امتکم واحده و انا ربکم فاعبدون» (انبیاء/۹۲) دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، سیاست کلی خود را بر پایه‌ی ائتلاف و اعتماد ملل اسلامی و در اصل چهاردهم به رفتار حسنه و بر مبنای قسط و عدل اسلامی با افراد غیرمسلمان تا زمانی که بر ضداسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدامی نکنند، توصیه شده است. (گواهی، ۱۳۷۶: ۵۶۱-۵۶۲)

بر اساس قانون اساسی ایران، جایگاه رهبری نیز به‌عنوان ولی مطلقه فقیه تعیین گردیده و تصمیم‌گیری نهایی در خصوص سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله در عرصه‌ی سیاست خارجی به عهده‌ی ایشان گذاشته شده است. لذا براساس قانون اساسی، نهاد رهبری در فرآیندهای ساختار تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری خارجی حضور دارد. اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام را بر عهده‌ی مقام رهبری نهاده است. بنابراین رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی را تعریف و تعیین می‌کند. لذا آیت الله خامنه‌ای در راستای مبارزه و مقابله با نظام سلطه و ضمن بی‌اعتمادی به دولت آمریکا تأکید می‌نماید: «رفتار نظام سلطه را به‌هیچ‌وجه قبول نمی‌کنیم. در هیچ موضوعی زیر بار سلطه نمی‌رویم و شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار نظام سلطه و خروج از قاعده‌ی سلطه‌گر-سلطه‌پذیر می‌دانیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۵/۲۰)

۴.۴- اندیشه استکبارستیزی امام خمینی(ره)

گفتمان واگرایی آیت الله خامنه‌ای نسبت به نظام سلطه آمریکا کاملاً همسو با جهت‌گیری ضد آمریکایی امام خمینی(ره) می‌باشد. بنابراین در فضای سیاست داخلی و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های حضرت امام(ره)، نظراً و عملاً میزان و سنجش سیاست‌ها می‌باشد. امام خمینی(رضوان الله تعالی علیه) در عرصه‌ی بین‌المللی با عدم اتکا به قدرت‌های جهانی، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، دعوت به ارزش‌های توحیدی و مبانی اسلام، سیاست نه شرقی و نه غربی و رد اندیشه‌های وابسته به بیگانگان، گفتمان‌های شرقی و غربی را مردود اعلام نمود و تأکید داشت که شعار نه شرقی و نه غربی، از اصول مسلم انقلاب اسلامی می‌باشد. ایشان با اشاره به غیریتی به نام اسلام آمریکایی در مقابل اسلام ناب محمدی(ص)، بر برتری دال اسلام در برابر گفتمان غربی اصرار داشتند و اقدام عملی آن را در حوزه‌های داخلی و خارجی به همه‌ی مردم و نخبگان و خواص جامعه توصیه می‌کردند.

منطق سیاست خارجی امام خمینی(ره) بر پایه اصل «نفی سبیل»، مبتنی بر سلطه‌پرهیزی و استکبارستیزی است. لذا گفتمان اسلام و انقلاب اسلامی را در ضدیت و غیریت با گفتمان غیر اسلامی و ضد بشری دولت آمریکا دانسته و نسبت به هر گونه رابطه و مذاکره با دولت آمریکا بی‌اعتماد می‌باشد؛ «ما منطق‌مان، منطق اسلام است که سلطه نباید از غیر شما باشد. نباید شما تحت سلطه‌ی غیر باشید. ما می‌خواهیم نباشد سلطه‌ی غیر، ما اصل گفته‌مان این است که آمریکا نباید باشد، نه آمریکا تنها، شوروی هم نباید باشد، اجنبی نباید باشد.» (صحیفه‌ی امام، ج ۴: ۹۱) «معنا ندارد که دولت اسلامی ایران با دولتی که هیچ اعتقاد به اسلام و به اخلاق بشریت ندارد، سر میز اصلاح بنشیند.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۸، ۶۸)

امام خمینی(ره) برای هژمونیک کردن گفتمان بی‌اعتمادی نسبت به دولت آمریکا، معتقدند که دال‌های شناور گفتمان نظام استکباری آمریکا، مانند انسانیت، عقلانیت، عدالت، سعادت، معنویت و ... دچار بحران و بی‌قراری شده و این عناصر پراکنده قابلیت دارند تا بر محور دال مرکزی «اسلام محمدی» مفصل‌بندی جدیدی شده که خروجی آن واگرایی نسبت به آمریکا خواهد بود. «ما تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم؛ نه ظالم باشیم و نه مظلوم. ما در طول تاریخ مظلوم بودیم. از همه‌ی جهات مظلوم بودیم و ما امروز می‌خواهیم که مظلوم نباشیم؛ ظالم هم نباشیم. ما تعدی به هیچ کشوری به‌واسطه‌ی دستوری که به ما رسیده است از اسلام، نخواهیم کرد؛

تجاوز به هیچ فردی نخواهیم کرد و نباید بکنیم. لیکن از تجاوز دیگران هم باید جلوگیری کنیم» (صحیفه امام، ج ۱۴، ۲). بنابراین در عرصه‌ی روابط بین‌الملل مفهوم محوری برای امام خمینی (ره) «استکبارستیزی» و در واقع یکی از «دیگرهای» اسلام از نظر ایشان در عرصه‌ی سیاست خارجی، «استکبار» بود.

گفتمان واگرایی و آشتی‌ناپذیری حضرت امام (ره) با نظام سلطه آمریکا از یک مبنای هستی‌شناسانه و انسان‌شناسی قوی و منحصر به فرد بر خوردار است. این گفتمان ریشه در رویکرد وی نسبت به جهان هستی و انسان دارد. ایشان در تخصص و ضدیت با دشمن غیر (آمریکا)، آن را به عنوان یک شیطان بزرگ معرفی کرده که گویای دو معرفت مهم سیاسی است: اول اینکه عنوان شیطان سرچشمه‌ی تمام ناپاکی‌ها و رذیلت‌ها در جهان هستی است که در آیین باستانی ایران نیز از آن به عنوان اهریمن یاد می‌کردند. ثانیاً، شیطان دشمن آشتی‌ناپذیر خدا و انسان است و مقابله‌ی شیطان با انسان تا روز قیامت ادامه دارد. در حقیقت حضرت امام (ره) با این نامگذاری بر وجه آشتی‌ناپذیری خود با آمریکا تأکید می‌کند و آن را سازش‌ناپذیری بین اسلام و کفر می‌داند.

۵- تحلیل منازعات معنایی گفتمان واگرایی

یکی از گام‌های اساسی در تحلیل گفتمانی، بررسی منازعات معنایی گفتمان است. گفتمانها همواره در تلاش برای حفظ معنای "خودی" و طرد معنای "دیگری" می‌باشند. بنابراین، گفتمانها به واسطه سازوکارهای معنایی، در صدد تصاحب افکار عمومی و رقابت با یکدیگر برای هژمونیک نمودن خود هستند. برای نشان دادن منازعات معنایی میان گفتمانها، ضرورتاً باید به تحلیل معنایی عناصر گفتمانی پرداخت. لذا با استناد به دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و برخی شواهد و داده‌های خبری موجود، عناصر گفتمان واگرایی ایشان تدوین و تبیین می‌گردد.

۱-۵- غیریت‌سازی

«غیر» و «دیگری» گفتمان واگرایی آیت الله خامنه ای، نظام استکباری دولت آمریکا است. بنابراین با شناخت کامل از ماهیت آن، ارتباط و مذاکره با آن را اشتباه و به ضرر نظام اسلامی می‌داند. در همین راستا ضمن بیان عدم مخالفت با اصل مذاکره و تعامل با دولت‌های جهان از جمله با دولت آمریکا براساس احترام متقابل، همیشه به یک نکته‌ی کلیدی و مهم یعنی «بی‌اعتمادی به آمریکا» و «خوش‌بین نبودن به مذاکره با آمریکا»، تأکید می‌کنند. و از آنجایی که مفهوم اعتماد دارای دو جنبه طرفینی است، تغییر رفتار ایران نسبت به آمریکا را به تغییر خوی استکباری طرف مقابل مشروط کرده است. «تا وقتی دولت آمریکا روش خود را، سیاست‌های خود را، مثل این سی سال علیه ما ادامه دهد، ما همان آدم سی سال قبل، همان ملت این سی سال هستیم. ملت ما از این که بازم شما شعار بدهید که «مذاکره و فشار» ما با ایران مذاکره می‌کنیم، درعین حال فشار هم وارد می‌آوریم، هم تهدید، هم تطمیع، بدش می‌آید. این جور با ملت ما نمی‌شود حرف زد. شما تغییر کنید، ما هم رفتارمان تغییر خواهد کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

آیت الله خامنه ای، گفتمان "غیر" را، خارج از منطق و عقلانیت دانسته و لذا تلاش دارد تا اثبات نماید که عناصر گفتمان استکباری آمریکا دچار بحران و بی‌قراری شده است. «آمریکایی‌ها غیرقابل‌اعتماد و غیرمنطقی هستند و در برخوردهای‌شان صادق نیستند. موضع‌گیری مسئولان آمریکایی در همین چند ماه گذشته، بار دیگر ضرورت خوش‌بین نبودن به آن‌ها را تأیید کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۴/۰۷) «دشمن برخلاف آنچه وانمود می‌کند، در برابر ملت ایران در موضع

انفعال است، نه موضع فعال و همین موضع انفعالی، دولت‌مردان آمریکا را به رفتار و حرکات غیرمنطقی واداشته است. ایشان تبیین نمودند که نکته‌ی مهم در رفتار دولت‌مردان آمریکا، تناقض میان عمل و حرف آن‌ها است که نشانه‌ی بی‌منطقی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۵/۱۱) همچنین ایشان معتقدند که عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که با توجه به شواهد تاریخی، اعتماد به آمریکا مانع استقلال و پیشرفت ملت ایران می‌گردد. «اگر ما امروز راه را برای مذاکره با آمریکایی‌ها و وسوسه‌های آن‌ها در بخش‌های مختلف باز کنیم، نه فقط زمینه‌ساز نفوذ آشکار و پنهان آن‌ها شده‌ایم، بلکه پیشرفت موردنظر کشور هیچ‌گاه محقق نخواهد شد و عقب‌ماندگی قطعی خواهد بود. عقلانیت اقتضا می‌کند، نسبت به کسانی که دشمنی خود را آشکار کرده‌اند، بی‌اعتمادی مطلق داشته باشیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۶/۲۸)

ایشان در غیریت‌سازی و بحرانی دیدن عناصر نظام استکباری آمریکا، به عهدشکنی، تناقض‌گفتار و رفتار، دروغ‌گویی و باج‌دهی به رژیم صهیونیستی آنان اشاره کرده و بدین جهت تلاش دارد تا گفت‌وگو و واگرایی نسبت به دولت آمریکا را هژمونیک نماید. «برخی‌ها لبخند دشمن را باور می‌کردند، اما به تدریج پشت‌صحنه‌ی این وعده‌ها را فهمیدند و متوجه شدند که دشمن چه راحت دروغ می‌گوید و چگونه بدون واهمه و دغدغه عهدشکنی می‌کند و بدون احساس خجالت زیرحرف و قولش می‌زند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۱) «ما دولت ایالات متحده‌ی آمریکا را دولتی غیرقابل‌اعتماد می‌دانیم؛ دولتی خودبرتربین، دولتی غیرمنطقی و عهدشکن، دولتی که سخت در پنجه‌ی تصرف و اقتدار شبکه‌ی صهیونیسم بین‌المللی قرار دارد و به خاطر رعایت خواسته‌ها و منافع نامشروع شبکه‌ی صهیونیستی بین‌المللی مجبورند با رژیم غاصب و جعلی اشغال‌کننده‌ی فلسطین مماشات کنند، در مقابل او نرمش نشان بدهند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۷/۱۲)

ضدیت با بشریت و رفتارهای غیر حقوق بشری آمریکا، دال‌های شناوری هستند که دچار گفتمان‌گونگی شده و موجب بی‌قراری گفتمان استکباری آمریکا گشته‌اند. بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین واگرایی نسبت به نظام استکباری دولت آمریکا، به اقدامات خلاف حقوق بشری آمریکا از جمله در زندان‌های گوانتانامو، ابوغریب و کمک به تروریست‌های معروف جهان و عهدشکنی‌ها و دروغ‌گویی‌های آنها اشاره کرده و بیان می‌دارد: «آمریکایی‌ها با این پرونده‌ی قطور و سیاه‌بلید از آوردن نام حقوق بشر دچار شرم و حیاء شوند، اما هم‌چنان وقیحانه مدعی‌اند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸)

۲.۵- برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

طبق چارچوب نظریه لاکلا و موف، منازعات معنایی به صورتهای مختلفی نمود پیدا می‌کنند. به گونه‌ای که همه کردارهای اجتماعی افراد و گروه‌های سیاسی، خصوصاً دولت‌مردان را در بر می‌گیرد. کردارهای سیاسی اجتماعی دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را می‌توان در برهه‌های گوناگون تاریخی مورد تحلیل گفتمانی قرار داد و به برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی آنها اقدام نمود. اساساً تحلیل گفتمانی کردارهای سیاسی و اجتماعی، به دنبال برجسته‌سازی "خودی" و به حاشیه‌راندن یا حذف "دیگری" می‌باشد. در حقیقت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، سازوکار مشترک حاکم بر کلیه گفتمانها و رفتارهای گفتمانهای سیاسی است. بدین جهت، در ادامه به تحلیل و برجسته‌سازی برخی کردارهای نظام سلطه آمریکا، که موجب واکنش و اگرایانه ایران و امامین انقلاب (امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای) شده است پرداخته و به چگونگی حاشیه‌رانی آن می‌پردازیم.

۱-۲-۵- براندازی دولت های مشروع

یکی از اقدامات نظام سطره آمریکا علیه دولت قانونی کشورهای مختلف انجام می شد، براندازی دولتهای مشروع، جهت تامین منافع استکباری آنان بود. آیت الله خامنه ای نسبت به اقدامات براندازانه ای آمریکا بیان می دارد: «این که دولتی به خود حق می دهد که اگر دولتی مخالف او بود، صریحاً و علناً و بدون هیچ خجالتی بگوید: من او را برمی اندازم، این، روح استکبار است؛ همین چیزی که امروز از آمریکا نسبت به بسیاری از دولت های آمریکای لاتین و بعضی جاهای دیگر دنیا سر می زند. استکبار، چون جوابی ندارد و منافعتش در خطر است و منافعتش با سقوط آن دولت، بیشتر تأمین می شود، این موضع را می گیرد» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۸/۸/۱۰).

ایشان با اشاره به تعداد دولتهایی که قربانی تلاش های آمریکا برای سقوط دولت به کمک جنایات گسترده شدند، می فرماید: «دولت امریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز در سرنگونی چهل دولت مستقل، که تابع امریکا نبودند، نقش ایفا کرده و در بیست و چند مورد دخالت نظامی داشته است! این دخالت ها بدون استثناء با کشتار عمومی و با فجایع بزرگ همراه بوده است. البته در مواردی موفق شده و در مواردی هم ناکام مانده و موفق نشده است» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷).

در ایران نیز نقش براندازانه آمریکا، برجستگی قابل توجهی دارد. مثلاً در طول سال های ملی شدن صنعت نفت، آمریکا نقش سه گانه ای را بازی کرد؛ آنگاه که موضوع رقابت آمریکا و انگلیس در میان بود، آمریکا حامی و پشتیبان ملی کردن نفت ایران بود و وقتی که اختلافات میان ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس بالا گرفت، آمریکا نقش میانجی گر و واسطه را ایفا نمود و زمانی که پایداری ایرانیان در دفاع از حقوق خود می رفت تا استعمار انگلیس را شکست دهد و دست آن را از منابع سرشار نفت ایران قطع کند، آمریکا به نهضت نفت ایران پشت کرد و نه تنها به ایران کمک مالی نکرد و تحریم نفتی ایران را رعایت کرد، بلکه با طرح ریزی کودتای آژاکس توسط کرمیت روزولت، نهضت ملی را شکست داد. امروزه با گذشت چند دهه از کودتا علیه مصدق، آمریکائیه ها به نقش خود در این مسئله اعتراف کردند (تیماجی، ۱۳۹۲).

رد پای سازمان "سیا" در کودتای نوژه نیز به خوبی مشهود است. به گونه ای که "ستوان ناصر رکنی" در اعترافش بیان می دارد: «دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأمورین سیا و یکی از دوستان "بنی عامری" در اروپا برقرار می شود و آن ها بنی عامری را با بختیار مرتبط می سازند. تمامی هماهنگی های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد دکتر بختیار در پاریس و هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق توسط نماینده سازمان «سیا» که در دفتر دکتر بختیار در پاریس بود انجام می گرفت». (الف تپور، ۱۳۹۵/۰۳/۱۹).

۲-۲-۵- توجیه جنایات بشری

از برجستگی های قابل توجه نظام سلطه آمریکا، موجه جلوه دادن خوی استکباری و جنایات بشری آنهاست. «شاخصه استعمار و استکبار این است که جنایت را نسبت به ملت ها و نسبت به آحاد بشر مجاز می شمردند و اهمیت نمی دهند. این یکی از بلاهای بزرگ استکبار در دوران جدید است» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹). «نظام استکبار که قصد سلطه بر ملت ها را دارد، از شیوه توجیه جنایت و پوشاندن لباس خدمت به جنایت، به طور متعارف و معمول در همه ی زندگی اش استفاده میکند.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹). آیت الله خامنه ای با تبیین اقدامات کشتار جمعی آمریکایی ها در قرن اخیر، مانند حمله ای اتمی به دو شهر ژاپن، یا حمله نظامی به هواپیمای مسافربری ایران، این

اقدامات را مظهر رفتار مستکبرانه نظام سلطه آمریکا می‌داند و بیان می‌دارد: «این که امروز مشاهده می‌کنید آمریکایی‌ها با خونسردی تمام، از کشتار هزاران انسان حرف می‌زنند و انفجار بمب در هیروشیما و کشتار هزاران انسان را عادی تلقی می‌کنند و می‌گویند: آن اقدام به مصلحت بود و ما چنین کاری را لازم دانستیم؛ همان روح استکبار است. اگر هواپیمایی را با سرنشینانش ساقط می‌کنند و مورد اعتراض قرار می‌گیرند، می‌گویند: قضیه ای بود که تمام شد؛ صحبتش را نکنید» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۱۰).

۳-۲-۵- تحمیل جنگ

اساساً تمدن مادی غرب در ذات و ماهیت خود به دنبال جنگ دائمی و توطئه‌ی همه‌جانبه برای تأمین منافع حداکثری خود می‌باشد. سردمداران نظام سلطه‌ی جهانی که طلایه‌داری تمدن غرب را بر عهده دارند، استعمار و بهره‌کشی از ملل ضعیف و عقب‌مانده رادر تمام دوره‌های تاریخی عملکرد خود، ثبت کرده و جنگ‌های بی‌شماری را طراحی و هدایت نموده‌اند (جعفری و قربی، ۱۳۹۲: ۷۰). یکی از نمونه‌های حربه استکباری نظام سلطه جهانی علیه ایران، تحمیل جنگ علیه ایران بود. آیت‌الله خامنه‌ای، تحمیل جنگ را نمونه‌ای از اقدامات استکبار برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دانسته‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱/۲۴). در برجسته بودن نقش آمریکا در تحمیل جنگ علیه ایران باید اشاره کنیم که؛ در شرایطی که سال‌ها روابط دیپلماتیک میان آمریکا و عراق قطع شده بود و عراق عضو بلوک شرق و از دشمنان رژیم صهیونیستی در منطقه محسوب می‌شد، با دیدار برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر از عراق، چندی قبل از حمله عراق به ایران، روابط دیپلماتیک میان آمریکا و عراق برقرار گردید و در همین زمان است که چراغ سبزه حمله به ایران از سوی آمریکا به عراق داده شد. این در حالی بود که کشور ایران در اولین روزهای مهرماه سال ۱۳۵۹ از وجود عناصر نامطلوب داخلی رنج می‌برد، اما با تهاجم سراسری رژیم بعث عراق و حمایت همه‌جانبه‌ی تسلیحاتی اکثر کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا مواجه گردید و در این میان نمی‌توان از کمک‌های پنهان و آشکار سران کاخ سفید به صدام بی‌تفاوت گذشت. کنت تیمرمن، کارشناس مسایل سیاسی ایران در همین زمینه می‌نویسد: «برژینسکی اجازه داد صدام در حمله به ایران چراغ سبزی را برای خود تصور کند، چراکه چراغ واضح قرمزی در کار نبود». آمریکا در نوامبر ۱۹۸۳ در بیانیه‌ای اعلام کرد که «دولت آمریکا هر آنچه لازم و از نظر قانون موجه است را انجام می‌دهد تا عراق در جنگ با ایران مغلوب نشود». این تعهد واشنگتن به بغداد تا جایی پیش رفت که آمریکا در سال آخر جنگ عملاً با ایران وارد جنگ شد (تیماجی، ۱۳۹۲/۰۷/۲۷).

۴-۲-۵- نفوذ و اخلال گری

پس از بیداری ملت‌های ستم‌دیده در طی نیم قرن گذشته، منافع مستکبران به خطر افتاد و دوران نوینی در استعمارگری و چپاول کشورها آغاز گردید. در این دوره که گاهی به "دوران استعمار فرا نو" تعبیر می‌شود، نفوذ در میان ملت‌ها از طریق پول، رسانه و تزریق فرهنگ غربی و نیز تلاش برای موجه نشان دادن چهره‌ی ابرقدرت‌ها می‌باشد. با این نقشه، آن‌ها بدون نیاز به حضور در یک کشور، ملت‌ها را در راستای تأمین منافع خود جهت‌دهی می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه بیان می‌دارد: «موفقیت هر ملتی در پیشرفت‌های خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۸/۱۱). آیت‌الله خامنه‌ای مهمترین نفوذ در ایران را، نفوذ آمریکا می‌داند. «برای ملت و انقلاب ما، بزرگترین خطر، خطر نفوذ استکبار و قدرتهای جهانی و

به طور خاص، خطر نفوذ ابرقدرت مهار گسیخته‌ی امریکا است.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۳/۱۴).

امروزه نفوذ دشمن در ایران ممکن است که در چهار عرصه‌ی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی اتفاق افتد. این مجاری چهارگانه نفوذ و اخلاص دشمن در بیان رهبری ایران به خوبی ترسیم گردید: «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم‌اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزء کم‌اهمیت‌ترین، نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست، اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است. نفوذ امنیتی عوامل خودش را دارد، مسئولین گوناگون، از جمله خود سپاه، جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت ان‌شاءالله می‌گیرند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۲۵).

آمریکا در دهه ۷۰ نیز سعی داشت تا با حمایت از غائله‌ی ۱۸ تیر ۱۳۷۸ آن را متوجه اصل نظام جمهوری اسلامی ایران نماید و در جریان فتنه‌ی ۱۳۸۸ نیز با حمایت و سازمان‌دهی عوامل فتنه در داخل و خارج کشور، تلاش نمود از راه براندازی نرم، نظام اسلامی را ساقط کند. مانند اعتراف هیلاری کلینتون که دخالت آمریکا را در اغتشاشات بعد از انتخابات ۱۳۸۸ را تأیید و می‌گوید: ایالات متحده‌ی آمریکا نقش بسیار مهمی در «انقلاب سبز» ایران داشته است. سنای آمریکا نیز طرحی را تصویب کرد که به موجب آن ۵۵ میلیون دلار برای مقابله با سانسور اینترنت و گسترش فضای اطلاع‌رسانی در ایران هزینه شود (الفت‌پور، ۱۳۹۲/۰۷/۲۷).

۵-۲-۵- اسلام‌هراسی

بخش بسیار مهمی از رویکرد واگرایی آیت الله خامنه ای نسبت به نظام سلطه آمریکا به رفتار شیطانی آنها در قبال مسئله اسلام بر می‌گردد. آمریکا با تمام توان تبلیغاتی خود سعی دارد تا به مردم دنیا بفهماند که اسلام هیچ اشتراکی با دیگر مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد، دینی خشونت‌بار، متحجر و نابردبار است و تمدن اسلامی نسبت به تمدن غربی در درجه‌ی پایین‌تری قرار دارد. همچنین آنها تلاش می‌کنند تا این نکته با القاء کنند که؛ مسلمانان همواره تهدیدکننده‌ی ارزش‌های ملی و فرهنگ غربی هستند. اما آیت‌الله خامنه‌ای، واقعیت و دلایل اسلام‌هراسی در غرب را ترس از اسلام سیاسی، ترس از حاکمیت اسلام، ترس از حضور اسلام در متن زندگی و ترس از لطمه خوردن به منافع نظام استکبار برمی‌شمارند و می‌فرمایند: «عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام می‌ترسانند؛ این‌ها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را می‌شکافیم و در مسئله دقت می‌کنیم، می‌بینیم که این‌ها همان اقلیت قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام می‌ترسند؛ از اسلام سیاسی می‌ترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع می‌ترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آن‌ها لطمه خواهد خورد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

۶-۲-۵- بد عهدی آمریکا

روح سلطه‌گری و استثمار نظام سلطه آمریکا، حاکی از عدم پایبندی وی به تعهدات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. تاریخ حکایت از آن دارد که دولت آمریکا در موارد متعددی، عقود بین‌المللی را نقض کرده و با کمال وقاحت، هرگز پاس‌خگوی این رفتار غیر حرفه‌ای، غیر قانونی و غیر بشری نبود. تاریخ روابط ایران و آمریکا نیز مملو از عهد شکنی یک طرفه دولت آمریکا نسبت به تعهدات بین‌المللی است که نمونه بارز و تازه آن، خروج یک طرفه و غیر قانونی آمریکا از قرارداد بین‌المللی برجام است.

نتیجه‌گیری

بر اساس گفتمان "اسلامی‌گرایی"، ایران به‌عنوان کشوری که عدالت‌گستری و استقرار نظم مطلوب در نظام بین‌الملل و برقراری نظم و نظام جهانی عادلانه را دنبال می‌کند، نمی‌تواند به آمریکا به‌عنوان کشوری که در رأس نظام سلطه می‌باشد، اعتماد کند. لذا اگرچه آیت‌الله خامنه‌ای بر سیاست تعامل‌گرایی با دنیا براساس دیپلماسی مبتنی بر حفظ عزت، حکمت و منافع ملی، تأکید دارند، ولی در رابطه با مواجهه با کشور آمریکا به‌عنوان شیطان بزرگ و مصداق استکبار، نفی هرگونه اعتماد به این کشور را همیشه مورد اشاره و تأکید قرار داده‌اند.

در تبیین رویکرد واگرایی آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به نظام سلطه آمریکا، اشاره به اعتراف دستیار اسبق وزیر دفاع آمریکا (ژنرال بازنشسته جان جانز) خالی از فائده نیست. ایشان در گفتگو با ایرنا، ضمن اشاره به این‌که بی‌اعتمادی تاریخی ایران به آمریکا قابل‌درک است، می‌گوید: به نظر من باراک اوباما می‌داند که آمریکا اشتباهات بزرگی در گذشته در خصوص ایران داشته و می‌خواهد از این اشتباهات پرهیز کند و با ایران بر مبنای برد-برد به توافق دست یابد. وی افزود: «زمانی که حمله یازده سپتامبر انجام شد، مردم در تهران با ما ابراز همدردی کردند. ایران در زمان جنگ‌های افغانستان، نه از گروه افراطی طالبان بلکه از ائتلاف شمال پشتیبانی می‌کرد و ما چشمانمان را بر آن موضوع بستیم. وقتی که ما به طالبان حمله کردیم، دولت ایران مرزهای خود با افغانستان را بست و برای سرنگونی طالبان همکاری کرد. اما دو ماه بعد جورج بوش ایران را عضو محور شرارت خواند» (جانز، ۱۳۹۳/۰۴/۰۷).

«ولید رضا» روزنامه‌نگار لبنانی و مقله‌نویس پایگاه «رای‌الیوم» نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران نمی‌تواند به آمریکا اعتماد کند» نوشت: تردید ایران درباره‌ی نیت آمریکا (در بحث مذاکرات هسته‌ای) ناشی از چند عامل است؛ اول: دولت‌های پیاپی آمریکا، ایران را از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ بزرگ‌ترین دشمن خود بعد از فروپاشی اتحاد شوروی دانسته‌اند. همین مسئله دولت جرج بوش را تشویق کرد که در سال ۲۰۰۲ ایران را در محور شرارت قرار دهد. دوم: بی‌میلی آمریکا به مشاهده ایران به‌عنوان بازیگر قدرتمند و بزرگ در صحنه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی و جلوگیری از پیشرفت علمی و فن‌آوری و شکوفایی اقتصادی این کشور و تهدید مکرر به حمله نظامی به این کشور که از نظر تهران قابل‌قبول نیست. سوم: حمایت بی‌حد و مرز آمریکا از اسرائیل موجب تشویق سرکوب گروه‌های مقاومت و حزب‌الله و سوریه شده است. هرگونه ماجراجویی از این نوع، از نظر ایران مردود و مغایر با دکتترین و قانون اساسی آن است که بر لزوم حمایت از همه‌ی ملت‌های مسلمان و همه مستضعفان جهان برای تشکیل جبهه‌ی جهانی بر ضد مستکبران تصریح دارد. چهارم: سیاست «بد» جلوه دادن ایران و شورلندن حکام و ملت‌های منطقه به‌ویژه در خلیج فارس بر ضد ایران از دیگر اقدامات آمریکا می‌باشد (رضا، ۱۳۹۳/۰۳/۰۸).

در همین راستا "پل بیلار" معاون سابق سازمان سیا درباره‌ی دلایل واگرایی و بی‌اعتمادی رهبر ایران به آمریکا گفت: «ایرانی‌ها حق دارند نسبت به اهداف آمریکا و غرب مشکوک باشند و اعتماد نکنند. وی که نایب‌رئیس بخش ضدتروریسم و نیز رئیس حوزه‌ی خاورمیانه در سازمان سیا بود و اکنون به‌عنوان استاد دانشگاه جرج تاون فعالیت می‌کند، در تحلیلی که نشریه‌ی آمریکایی نشنال اینترست منتشر نمود، خاطرنشان می‌کند: یکی از برداشتهای غلط برای وادار کردن ایران به دادن امتیاز در مذاکرات این است که آمریکا ایران را به آسیب‌های جدی و اقدام نظامی تهدید می‌کند. وی تصریح

کرد: ایرانی‌ها دلیل خوبی دارند که نسبت به انگیزه‌ها و اهداف آمریکا و غرب مشکوک باشند و تهدید به نیروی نظامی به‌طور زیان‌آوری در این معادله جای می‌گیرد. ایرانی‌ها نیازی ندارد راه دوری بروند و در ارتباط با این فرضیه که هدف اولیه آمریکا در مورد ایران تغییر رژیم است شواهد زیادی در دست دارند و نیازی هم ندارند به گذشته‌ی خیلی دور نگاه کنند تا استفاده اخیر آمریکا از نیروی نظامی و مشارکت در حمله به لیبی را مشاهده کنند. این دو حمله در حالی صورت گرفت که لیبی با غرب توافق کرده بود، تمام برنامه‌های هسته‌ای خود را تحویل دهد. با این وصف چه دلیلی هست ایرانی‌ها مصالحه کنند؟ این مشکل جدی است و گردن‌کشی و یاغی‌گری آمریکا، مسئله را بغرنج‌تر خواهد کرد. (بیلاز، ۱۳۹۱/۱۰/۳۰)

منابع و مأخذ

۱. آجیلی، هادی (۱۳۸۹). صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل. تهران، دانشگاه امام صادق.ع.
۲. حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی». مجله‌ی علوم سیاسی، ش ۲۸، ص ۱۹۶.
۳. تقدمی، محمد (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن». مجله‌ی معرفت فرهنگی و اجتماعی، ش ۲، ص ۹۵.
۴. سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به‌مثابه‌ی نظریه و روش». مجله‌ی علوم سیاسی، ش ۲۸، ص ۱۵۵.
۵. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، مترجم: پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۶. ۷) بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶)، جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
۷. ۸) گواهی، عبدالرحیم (۱۳۷۶). مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۲، صص ۵۶۲-۵۶۱.
۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه‌ی امام (مجموعه‌ی سخنرانی‌های امام خمینی). تهران، موسسه حفظ و نشر آثار حضرت امام.
۹. تیماجی، مهدی. «ده دلیل تاریخی برای بی‌اعتمادی به آمریکا». کیهان فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۷/۲۷: سایت اینترنتی: www.hawzah.net
۱۰. الفت پور، محمدعلی. (۱۳۹۵)، «دلایل بدبینی رهبر ایران به آمریکا» ۱۳۹۵/۰۳/۱۹ (سایت اینترنتی: www.jamnews.ir)
۱۱. جانز، جان. (۱۳۹۳)، «دلایل بی‌اعتمادی جمهوری اسلامی ایران به آمریکا». ۱۳۹۳/۰۴/۰۷ (سایت اینترنتی: www.bultannnews.com)
۱۲. رضا، ولید. (۱۳۹۳)، «چهار دلیلی که ایران نمی‌تواند به آمریکا اعتماد کند». ۱۳۹۳/۰۳/۰۸ (سایت اینترنتی: www.yjc.ir)
۱۳. بیلاز، پل. (۱۳۹۱)، «دلایل بی‌اعتمادی ایران به آمریکا». روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۹۱/۱۰/۳۰.
۱۴. سایت اینترنتی خامنه‌ای: www.khamenei.ir
۱۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲) طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: صهبا

۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم و مسئولان جهاد سازندگی). ۱۳۷۰/۰۳/۲۸.
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار جمعی از آزادگان). ۱۳۶۹/۰۶/۲۶.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار شرکت‌کنندگان اولین کنفرانس اسلامی فلسطین). ۱۳۶۹/۰۹/۱۳.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۸۳.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با دانشجویان). ۱۳۹۳/۰۵/۰۱.
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی. پیام(به حجاج بیت‌الله‌الحرام). ۱۳۹۳/۰۷/۰۸.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(جمع حافظان و قاریان قرآن در محفل انس با قرآن). ۱۳۹۳/۰۴/۰۸.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(جمع معلمان و کارگران). ۱۳۹۵/۰۲/۱۲.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۷۱/۰۵/۲۰.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان). ۱۳۹۳/۰۸/۱۲.
۲۷. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با دانشجویان). ۱۳۹۰/۰۵/۱۹.
۲۸. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با اعضای بسیجی هیات علمی دانشگاه‌ها). ۱۳۸۹/۰۴/۰۲.
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان). ۱۳۸۷/۰۶/۰۷.
۳۰. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت یوم‌الله سیزده آبان). ۱۳۷۶/۰۸/۱۴.
۳۱. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با دانشجویان و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی). ۱۳۹۴/۰۴/۲۰.
۳۲. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(خطبه‌های نماز جمعه تهران). ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.
۳۳. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(صحن مطهر حضرت ثامن‌الحجج، امام رضاء). ۱۳۷۷/۰۱/۰۱.
۳۴. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۸۹/۰۵/۲۷.
۳۵. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین). ۱۳۹۳/۰۹/۰۶.
۳۶. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران). ۱۳۹۱/۱۱/۱۹.
۳۷. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.
۳۸. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۸۸/۰۱/۰۱.
۳۹. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام). ۱۳۹۳/۰۴/۰۷.
۴۰. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار اقشار مختلف مردم). ۱۳۹۵/۰۵/۱۱.
۴۱. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی). ۱۳۹۵/۰۶/۲۸.
۴۲. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(اقامه نماز جمعه تهران). ۱۳۹۰/۰۴/۱۱.
۴۳. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش). ۱۳۹۲/۱۱/۱۹.
۴۴. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با مسئولان نظام). ۱۳۹۲/۰۴/۳۰.
۴۵. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری

ارتش جمهوری اسلامی ایران). ۱۳۹۲/۰۷/۱۳.

۴۶. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار با هزاران نفر از مردم آذربایجان شرقی). ۱۳۹۲/۱۱/۲۸.

۴۷. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور). ۱۳۹۳/۰۵/۲۲.

۴۸. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار شاعران و مداحان اهل بیت عصمت و طهارت در آستانه ولادت حضرت زهراع). ۱۳۹۴/۰۱/۲۰.

۴۹. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.

۵۰. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی). ۱۳۹۱/۰۳/۲۹.

۵۱. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۸۳/۰۴/۰۱.

۵۲. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

۵۳. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

۵۴. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۹۲/۰۴/۱۶.

۵۵. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی. ۱۳۸۷/۰۲/۱۹.

۵۶. خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی(دیدار هزاران نفر از دانشجویان و دانش آموزان). ۱۳۹۲/۰۸/۱۲.

۵۷. دلایل بدبینی رهبر ایران به آمریکا. ۱۳۹۵/۰۳/۱۹.

۵۸. Laclau, E, (۱۹۹۵) *New Reflections on the Revolution of our Time*, London: vers

